

قصه‌ها  
و  
داستان‌های  
جانی‌رُداری



ترجمهٔ مهناز صدری

## فهرست

- ۹ ..... حتماً بخوانید
- ۱۳ ..... اشتباه‌های جورواجور
- ۱۵ ..... بین خودمان بماند
- ۱۷ ..... درد دل چشم
- ۱۹ ..... زنجیر
- ۲۱ ..... پژواک نادان
- ۲۳ ..... ضرب‌المثل‌های پیر
- ۲۷ ..... آسمان رسیده
- ۲۹ ..... بهترین انسان
- ۳۱ ..... چه کسی دستور می‌دهد؟
- ۳۳ ..... اصلاح دستور زبان
- ۳۵ ..... من چه کاره خواهم شد
- ۳۹ ..... دو کشور

|     |                           |
|-----|---------------------------|
| ۱۶۷ | نامه عنکبوت به آقای خانه  |
| ۱۷۱ | خاطرات ماه                |
| ۱۷۵ | شورش ماشین‌ها             |
| ۱۷۹ | گربه ولگرد                |
| ۱۸۳ | قلم موی جادویی            |
| ۱۸۹ | عرب و شتر                 |
| ۱۹۳ | کله پوک                   |
| ۱۹۷ | انسان، گوزن و خرس         |
| ۲۰۳ | ایرانی‌ها و گربه‌های مقدس |

|     |                                |
|-----|--------------------------------|
| ۲۰۷ | <b>قصه‌های تلفنی</b>           |
| ۲۰۹ | سخن جانی رُداری                |
| ۲۱۱ | جیلبرتوی بامحبت                |
| ۲۱۵ | یک پسر و هفت پسر               |
| ۲۱۹ | مرگ پادشاه                     |
| ۲۲۳ | خرچنگ جوان                     |
| ۲۲۷ | راهی که به هیچ جا نمی‌رفت      |
| ۲۳۱ | سؤال‌های پشت و رو              |
| ۲۳۵ | پدربزرگی که بلد نبود قصه بگوید |
| ۲۳۹ | تونینوی نامرئی                 |
| ۲۴۵ | جوجه فضایی                     |
| ۲۵۱ | فرار پولچینلا                  |
| ۲۵۷ | موشی که گربه می‌خورد           |
| ۲۶۱ | پیاده‌روی متحرک                |

|    |                      |
|----|----------------------|
| ۴۱ | بیچاره یا بیچاره‌ها؟ |
| ۴۳ | بیگمالیون            |
| ۴۹ | کمک کنید             |
| ۵۱ | امید                 |
| ۵۳ | سر                   |
| ۵۵ | کشور بدون اشتباه     |
| ۵۷ | پادشاه چوبی          |

|     |                             |
|-----|-----------------------------|
| ۵۹  | <b>قصه‌های جادویی</b>       |
| ۶۱  | دختری که نمی‌خواست بزرگ شود |
| ۷۱  | ذرت بوداده                  |
| ۸۵  | شاهزاده‌خانم شادی           |
| ۹۷  | تاجگذاری شیر دهم            |
| ۱۰۵ | کلبه نجار                   |
| ۱۱۵ | شاهزاده ناپینا              |
| ۱۲۷ | سرباز و سازدهنی             |

|     |                        |
|-----|------------------------|
| ۱۳۹ | <b>قصه‌های رنگارنگ</b> |
| ۱۴۱ | ماشین حاضر کردن درس    |
| ۱۴۵ | درخت پائولینو          |
| ۱۴۹ | زنگ برای دزدها         |
| ۱۵۳ | ریکاردوی مجسمه‌ساز     |
| ۱۵۹ | رقص خرس                |
| ۱۶۳ | شکایت کیف مدرسه        |

|                     |     |
|---------------------|-----|
| آبنبات آموزشی ..... | ۲۶۳ |
| پادشاه میداس .....  | ۲۶۵ |
| سیاره راستی .....   | ۲۶۹ |

## حتماً بخوانید

جانی ژداری نویسنده مشهور ایتالیایی (متولد ۲۳ اکتبر ۱۹۲۰، در گذشته به سال ۱۹۸۰)، که آثارش را نه تنها کودکان، بلکه بزرگسالان نیز دوست دارند و می‌خوانند، در سال ۱۹۷۰ موفق به کسب جایزه هانس کریستین آندرسن، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جایزه جهانی در زمینه ادبیات کودکان شد. او در هجده سالگی پس از دانش‌آموختگی از مدرسه تربیت معلم و همزمان با تحصیل در دانشگاه، به تدریس در مدارس ابتدایی پرداخت. قصه‌ها و داستان‌های جانی ژداری همگی بر مطالعات و تحقیقات جامع و عمیق او در باره مسائل آموزشی و پرورشی کودکان مبتنی است. او به طور معمول، قبل از چاپ قصه‌هایش، آن‌ها را برای کودکان می‌خواند تا پیشنهادها و نظرهای آنان را در قصه‌هایش شرکت دهد. ژداری به وجود بالقوه خلاقیت به عنوان پدیده‌ای طبیعی در کودکان معتقد بود و تخیل را نیز عامل بروز شکوفایی این خلاقیت می‌دانست. به عقیده او تخیل وسیله‌ای است ضروری برای نگرش به پدیده‌های کوچک و بزرگ

## بین خودمان بماند

سال‌های زیادی طول کشید تا من توانستم اشتباه‌های نوشتاری را تصحیح کنم؛ اول مال خودم را، وقتی دانش‌آموز بودم و درس می‌خواندم. بعد اشتباه‌های دیگران را، وقتی معلم بودم و درس می‌دادم. تنها بعد از آن بود که شروع کردم به نوشتن قصه‌ها و تخیلاتم؛ قصه‌هایی که حتا چندتایی از آن‌ها «البته با کمال افتخار برای من» در کتاب‌های درسی نیز آمده‌اند. می‌خواهم بگویم فکر بازی با اشتباه‌ها زیاد هم بد نیست. آیا به راستی بهتر نیست که بچه‌ها به جای گریه، با خنده درس بخوانند؟ می‌دانید، اگر می‌شد همهٔ اشک‌های ریخته‌شده به خاطر کارهای اشتباه را از روی پنج قارهٔ زمین جمع کرد، آن وقت چنان آبخاری درست می‌شد که برای ایجاد یک ایستگاه برق کافی بود؟ فقط من فکر می‌کنم که این انرژی بی‌نهایت گرانبها می‌بود.

اشتباه، چیزی است هم ضروری و هم مفید؛ درست مثل

نان. گاهی هم زیباست؛ مثل برج پیزا<sup>۱</sup>!

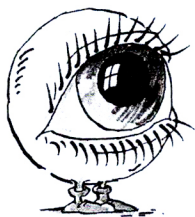
در این کتاب اشتباه‌های بسیاری وجود دارد! بعضی از آن‌ها را فوراً و بدون چشم مسلح می‌توان دید، ولی بعضی دیگر آشکار نیستند؛ درست مثل معماها. البته همه آن‌ها را فقط بچه‌ها انجام نداده‌اند و شکی هم در آن نیست. بهتر است بین خودمان بماند، ولی واقعاً دنیا بسیار زیباتر نمی‌بود اگر فقط بچه‌ها اشتباه می‌کردند؟ برای همین نیز این کتاب را نه تنها به بچه‌ها بلکه به پدرها و مادرها و همچنین معلم‌های مدرسه و خلاصه به تمام کسانی تقدیم می‌کنم که به نوعی مسئولیت بزرگ تصحیح را بر عهده دارند. آن هم تصحیحی بدون اشتباه؛ اشتباهی هر قدر کوچک و معصومانه!

جانی زُداری

## درددل چشم

یک‌بار من یواشکی داشتم به درددل چشم گوش می‌کردم. او می‌گفت: «خدایا! من چقدر بدبختم! سال‌های سال است که زندگی برایم خیلی تلخ شده. آخر قبلاً همیشه می‌دیدم که

خورشید به دور زمین می‌چرخد، تا این‌که یک روز، ناگهان سر و کله آقای کوپرنیک<sup>۱</sup> و گالیله<sup>۲</sup> پیدا شد و ثابت کردند بنده تا آن وقت عوضی می‌دیده‌ام، و برعکس، این زمین است که به دور خورشید می‌چرخد. اوایل، هر وقت نگاهم به آب می‌افتاد، می‌دیدم چقدر زلال و



۱. نیکلوس کوپرنیک (Nikolaus Copernicus): ستاره‌شناس لهستانی، پدر ستاره‌شناسی نوین (۱۴۷۳-۱۵۴۳). - م.  
 ۲. گالیله (Galilei): ستاره‌شناس و فیزیکدان ایتالیایی (۱۵۶۴-۱۶۴۲). - م.

۱. pisa؛ برجی هشت طبقه در شهری باستانی به همین نام، واقع در مرکز ایتالیا. برج پیزا در نیمه دوم قرن دوازدهم میلادی ساخته شد، ارتفاع آن ۵۵ متر است و شهرتش به کج شدنش به مرور زمان است، به طوری که در حال حاضر ۵ متر از خط قائم انحراف دارد. - م.